



بررسی تأثیر قدرت سهامداران عمده بر کیفیت حاکمیت شرکتی و تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سیستم مدیریت، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار

مهسا یوسف نژاد^۱، فاطمه صمدی^{۲*}

مصطفی هاشمی تیله نوئی^۳

کد مقاله: ۳۹۴۶۳

چکیده

هدف این پژوهش اولاً: بررسی قدرت سهامداران عمده و کیفیت حاکمیت شرکتی، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی - همبستگی جامعه آماری شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران بودند. به منظور بررسی مانایی متغیرها از آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون استفاده شد. به منظور تخمین مدل مربوط به فرضیه‌ها، برای تشخیص بین اینکه باید از روش پولینگ دیتا استفاده شود یا از روش داده‌های تلفیقی استفاده شود، آماره چاو (F لیمر) محاسبه شد. نتایج پژوهش نشان داد که توانایی سهامداران بزرگ بدون سهامداران اصلی، برای به چالش کشیدن قدرت آن‌ها برای شکل دادن سیستم حاکمیت شرکتی، کافی نیست. ثانیاً: بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سیستم مدیریت شرکت‌ها بود، این پژوهش از لحاظ هدف و از لحاظ ماهیت توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران بودند. به منظور بررسی مانایی متغیرها از آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون استفاده شد. به منظور تخمین مدل مربوط به فرضیه‌ها، برای تشخیص بین اینکه باید از روش پولینگ دیتا استفاده شود یا از روش داده‌های تلفیقی استفاده شود، آماره چاو (F لیمر) محاسبه شد. نتایج پژوهش نشان داد که تمرکز مالکیت رای دهی بر کیفیت سیستم مدیریت شرکت‌ها تأثیر منفی دارد.

واژگان کلیدی: قدرت سهامداران عمده، کیفیت حاکمیت شرکتی، تمرکز مالکیت رای دهی، کنترل بیش از حد بر جریان وجوه نقد، کیفیت سیستم مدیریت شرکت‌ها

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق، تهران، ایران
۲- استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

m.samadi53@gmail.com

۳- استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق، تهران، ایران

تحقیقات اخیر بر حاکمیت شرکتی و اهمیت درک اینکه چگونه حاکمیت شرکتی در سراسر جهان متفاوت است، تأکید کرده است که نیازمند نگاهی غنی از نهادهای ملی است (اسچیل و همکاران^۱، ۲۰۱۴). قوانین محلی هر کشوری انگیزه‌ی خاص تحقیقاتی را ایجاد می‌کند، محیط نهادی و حقوقی ملی، تفاوت‌های آشکاری را در حاکمیت شرکتی ایجاد می‌کند. در بازارهایی با حمایت قوی از سهامدار، محیط نهادی به ترویج سیستم‌های راهبری شرکتی بهتر با تغییرپذیری کمتر در میان شرکت‌ها تمایل دارد (درنو و کیم^۲، ۲۰۰۵). در مقابل، حمایت قانونی ضعیف می‌تواند به فشارهای بازار منجر شود تا سیستم حاکمیت شرکتی را از طریق سیستم قانونی بهبود بخشد یا پذیرش داوطلبانه اعمال حکمرانی خوب را ارتقا دهد (شررو و ویکتین، ۲۰۲۰).

در بازارهای با مالکیت بسیار متمرکز، مشکل نمایندگی توسط مکانیسم‌های مختلف کنترل نظارتی مانند سهام کلاس دوگانه، اهرام مالکیت و ائتلاف‌ها سهامداران تشدید می‌شود. این مکانیزم‌ها منجر به شکاف بین کنترل و حقوق جریان نقدینگی در دستان بزرگ‌ترین سهامداران می‌شود. (ستایش و منصور، ۱۳۹۳). اثرات این مکانیزم‌ها بر اساس قدرت بزرگ‌ترین سهامداران بر اساس دو بخش کلی در نظر گرفت. اول اینکه، آن‌ها می‌توانند منافع خصوصی را با هزینه کمتر کسب کنند و دوم، آن‌ها می‌توانند بدون هیئت‌های مستقل قوی، مدیران را تحت نظارت قرار دهند (بورتی و همکاران^۴، ۲۰۲۰).

حاکمیت شرکتی می‌تواند به‌طور گسترده به‌عنوان یک سیستم از قوانین، سیاست‌ها و فرایندهایی که یک شرکت را هدایت و کنترل می‌کنند، تعریف شود. ایده حاکمیت شرکتی از نظریه نمایندگی نشأت می‌گیرد و مبتنی بر فرض بیشینه‌سازی ارزش سهام است (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶، نقل از غفاری، ۱۳۹۴). با توجه به این نظریه، مدیران به‌عنوان نماینده، شرکت‌ها را به "نیابت" از سهامداران اداره می‌کنند و تفکیک مالکیت و کنترل، هزینه‌های نمایندگی قابل توجهی را برای سازمان‌های امروزی ایجاد کرده‌است شورورزی و همکاران (۱۳۹۴) رابطه بین حاکمیت شرکتی و اعمال نفوذ در اندونزی و تایلند را مورد مطالعه قرار دادند. نویسندگان ادعا می‌کنند که شرکت‌هایی با حاکمیت شرکتی ضعیف اعمال نفوذ بیشتری را به کار می‌گیرند و این رابطه به‌طور خاص در طول بحران مالی، قوی است. نویسندگان این یافته‌ها را به عنوان یک دین (قرض) تعبیر می‌کنند که می‌توان از آن برای تسهیل سلب مالکیت هنگامی که کیفیت حاکمیت ضعیف وجود دارد استفاده کرد. علاوه بر این، شرکت‌هایی با کیفیت حاکمیتی بهتر مایل به استفاده بیشتر از اعمال نفوذ برای جلوگیری از ریسک پیش‌فرض در طول زمان بحران هستند. چونگ و وانگ (۲۰۱۴) رابطه پویایی بین مالکیت سازمانی و ساختار سرمایه شرکتی را در طول چرخه تجاری بررسی می‌کنند. نویسندگان رابطه معکوسی بین مالکیت نهادی و اعمال نفوذ را به ویژه در طول انقباضات اقتصادی پیدا می‌کنند (الاهدل و همکاران^۵، ۲۰۲۰).

در ارتباط با عنوان این پژوهش، چندین پژوهش انجام شده است. برای نمونه، ناصری ملکی و پاک مرام (۱۳۹۵)، در تحقیق خود اقدام تهودی و بازده آتی سهام با تأکید بر مالکیت سهامداران نهادی و اندازه شرکت را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که توانایی اقدام تهودی برای پیش‌بینی بازده، مستقل از درصد و تعداد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی بوده اما با اندازه شرکت رابطه منفی دارد. همچنین، در شرکت‌هایی که درصد بیشتری از سهامشان در اختیار مالکان نهادی است، حضور سهامداران نهادی سبب سازوکار صحیح قیمت‌گذاری از دیدگاه ایجاد تمایز از میان اقدام نقدی و تهودی نشده است. ستایش و منصور (۱۳۹۳)، نیز در تحقیق خود به بررسی هموارسازی سود ناخالص و مالکیت نهادی پرداختند که نتایج آن‌ها نشان داد، درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و مدیریتی بر هموارسازی سود عملیاتی و سود خالص تأثیر دارد. همچنین، نتایج نشان داد که استقلال هیئت مدیره تأثیری بر هموارسازی سود ندارد. مرادیزای و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نشان دادند که بین جریان وجه نقد و حاکمیت شرکتی رابطه معکوس و بین نسبت سهام در اختیار ۲ سهامدار عمده و حاکمیت شرکتی رابطه مستقیم وجود داشته و بین نسبت سهام در اختیار بزرگترین سهامدار و سهامداران عمده دولتی با حاکمیت شرکتی رابطه معناداری مشاهده نشده است. گودرزوند چگینی و همکاران (۱۳۹۷) هم به بررسی تأثیر انواع تضاد نمایندگی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و نقدشوندگی سهام شرکت‌ها پرداختند و نشان دادند که معیارهای نسبت اعضای مستقل هیئت مدیره، جدایی وظیفه مدیر عامل از رییس هیئت مدیره، سهامداران نهادی و کیفیت حساسی دارای رابطه مثبتی با نقدشوندگی سهام میباشند. علاوه بر این براساس نتایج تحقیق نسبت اعضای مستقل هیئت مدیره و سرمایه‌گذاران نهادی سبب بیشتر شدن رابطه بین حاکمیت شرکتی و نقدشوندگی سهام در شرکت‌های دولتی خواهند شد. نتایج تحقیق همچنین نشان دهنده این میباشند که جدایی وظیفه مدیرعامل از رییس هیئت مدیره و کیفیت حساسی در شرکت‌های دولتی تأثیر معناداری بر ارتباط بین حاکمیت شرکتی و نقد شونده سهام ندارند. الاهدل و

1 Schiehl et al
2 Durnev and Kim
3 Scherer & Voegtlin
4 Buerter, et al
5 Al-ahdal et al

همکاران^۱ (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌های بورس پرداختند و نشان دادند که مسئولیت پذیری هیئت مدیره (BA) و کمیته حسابرسی (AC) بر عملکرد شرکت‌ها که از روش ROE و Tobin Q اندازه گیری می شوند، تأثیر اندکی دارد. به طور مشابه، شفافیت و افشاء (TD) بر عملکرد شرکت‌ها که از روش Tobin Q اندازه گیری می شود، تأثیر منفی اندکی دارد. علاوه بر این، نتایج متغیرهای ساختگی کشور نشان می دهد که شرکت‌های هندی از نظر شیوه های حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی عملکرد بهتری نسبت به کشورهای خلیج فارس دارند. مطالعه حاضر به عنوان یک محرک برای تحقیقات و مطالعات بیشتر بویژه در شرکت‌های بورسی هند و GCC در زمینه حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی عمل می کند. کریستمو و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی قدرت سهامداران عمده و کیفیت حاکمیت شرکتی: تجزیه و تحلیل شرکتهای برزیلی پرداختند و نشان دادند که تمرکز مالکیت برای کیفیت مدیریت شرکت و کیفیت ترکیب هیئت مدیره مضر است. بر اساس تأثیر سلب مالکیت بر تعارض های مالک-مالک (تعارض بین سهامداران عمده و اقلیت)، با تضعیف سیستم حاکمیت شرکتی و ترکیب هیئت مدیره، سهامداران عمده (کنترل کننده) ممکن است از مزایای شخصی کنترل استفاده کنند. بر اساس پیشنهاد اثر جانشینی، به روش متمرکز، سهامداران کنترل کننده ممکن است از استخدام هیئت مدیره قوی خودداری کنند و مستقیماً نظارت بر مدیریت را انجام دهند که تعارض نمایندگی با مدیران را کاهش دهد. در نهایت، توانایی سهامداران بزرگ بدون سهامداران اصلی، برای به چالش کشیدن قدرت آن‌ها برای شکل دادن سیستم حاکمیت شرکتی، کافی نیست. این مطالعه شواهدی از اهمیت تعارض مالک-مالک در یک بازار نوظهور را با تجزیه و تحلیل تأثیر تمرکز مالکیت بر کیفیت سیستم حاکمیت شرکتی و همچنین اینکه سایر سهامداران بزرگ غیره کنترل کننده قادر به رقابت با قدرت سهامداران اصلی نیستند، ارائه می دهد.

ساختار مالکیت در حاکمیت شرکتی دارای جایگاه هسته‌ای و مشخص می‌باشد. تعیین نوع ساختار مالکیت و ترکیب سهامداران شرکت به عنوان ابزار کنترل و اعمال حکمرانی در شرکت‌هاست. این بعد از حاکمیت در قالب ابعاد مختلف تعیین کننده نوع مالکیت شرکت نظیر توزیع مالکیت، تمرکز مالکیت، وجود سهامداران اقلیت و عمده در ترکیب شرکت و درصد مالکیت آن‌ها قابل بررسی است. همچنین ترکیب سهامداران شرکت‌ها از الگوی متفاوتی نظیر سهامداران نهادی، مالکیت مدیریتی، سهامداران خصوصی و دولتی تبعیت می‌کند یکی از ساز و کارهای کنترل بیرونی موثر بر حاکمیت شرکتی که دارای اهمیت فزاینده ای بوده، ظهور سرمایه گذاران نهادی است (بت شکن و رهبری، ۱۳۸۷). به دلیل مشکلات نمایندگی امکان دارد مدیران شرکت‌ها از منابع شرکت در جهت افزایش ثروت سهامداران استفاده نکنند. صاحبان امروزه بهترین راه حل این مشکل را در بهبود حاکمیت شرکت‌ها می دانند. حاکمیت شرکتی شامل معیارهایی می شود که می تواند با افزایش عدم تمرکز در کنترل شرکت‌ها، از قدرت مدیران در پیگیری منافع شخصی بکاهد. از موثرترین این معیارها حضور سهامداران نهادی در شرکت است که دارای توان بالقوه در کنترل مدیران هستند. بدین منظور تحقیق حاضر در صدد پاسخ به پرسش زیر است:

آیا قدرت سهامداران عمده و کیفیت حاکمیت شرکتی، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیر دارد؟

ایده حاکمیت شرکتی از نظریه نمایندگی نشات می‌گیرد و مبتنی بر فرض بیشینه‌سازی ارزش سهام است. با توجه به این نظریه، مدیران به عنوان نماینده، شرکت‌ها را به "نیابت" از سهامداران اداره می‌کنند و تفکیک مالکیت و کنترل، هزینه‌های نمایندگی قابل توجهی را برای سازمان‌های امروزی ایجاد کرده‌است (القرمه و همکاران^۲، ۲۰۲۰).

امروزه حفظ منافع عمومی، رعایت حقوق سهامداران، ارتقای شفافیت اطلاعات و الزام شرکت‌ها به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی از مهم‌ترین آرمان‌هایی است که بیش از گذشته، توسط مراجع مختلف نظارتی و اجرایی مورد توجه قرار گرفته است. تحقق این آرمان‌ها مستلزم وجود ضوابط استوار و سازوکارهای اجرایی مناسب است که مهم‌ترین آنان نظام راهبری بنگاه یا حاکمیت شرکتی است. حاکمیت شرکتی بیش از هر چیز، حیات شرکت را در درازمدت هدف قرار داده است و در این راستا سعی دارد تا از منافع سهامداران در مقابل مدیران شرکت‌ها پشتیبانی و از انتقال ناخواسته ثروت میان گروه‌های مختلف و تضييع حقوق عموم و سهامداران جزء جلوگیری کند. وجود یک نظام راهبری مناسب می‌تواند به تحقق استقلال حساب‌رسان مستقل به معنای واقعی آن کمک کند و منجر به ایجاد فضای شفاف اطلاعاتی شود تا در سایه آن بازیگران عرصه اقتصادی تصمیمات آگاهانه‌تری را اتخاذ کنند. امروزه در اهمیت و جایگاه حاکمیت شرکتی برای موفقیت شرکت‌ها تردیدی نیست، چرا که این موضوع با توجه به رخدادهای سال‌های اخیر و بحران‌های مالی شرکت‌ها اهمیت بیشتری یافته است (حساس یگانه، ۱۳۹۵). بررسی علل و آسیب‌شناسی فروپاشی برخی از شرکت‌های بزرگ که زیان‌های کلانی به ویژه برای سهامداران داشته است، مشخص می‌کند که این امر، ناشی از ضعف سیستم‌های حاکمیت شرکتی آنان بوده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی می‌تواند باعث ارتقاء استانداردهای تجاری شرکت‌ها، تشویق، تأمین و تجهیز سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاران و بهبود امور اجرایی آنان گردیده و یکی از عناصر اصلی در بهبود کارایی اقتصادی شرکت‌ها باشد، چرا که ناظر بر روابط سهامداران، هیأت مدیره، مدیران و سایر ذی‌نفعان آنان است (شورورزی و همکاران، ۱۳۸۹).

1 Al-ahdal

2 Al-Gamrh, et al

حاکمیت شرکتی به معنای مجموعه ای از فرآیندها، عرف ها، سیاست ها، قوانین و مؤسساتی است که در روش مدیریت، کارهای اجرایی و کنترل یک شرکت نقش دارند. به تعریفی دیگر حاکمیت شرکتی به کارگیری بهترین راهکارهای مدیریتی، مطابقت با قانون در بهترین شکل و حالت و پیوستگی با استانداردهای اخلاقی به منظور رسیدن به مدیریت کارآمد، توزیع ثروت و ادای مسؤلیت اجتماعی برای حفظ جریان رشد و ترقی سهامداران و عوامل ذینفع است. فعالیت اقتصادی با توجه به خواست سهامداران (به حداکثر رساندن بازده مالی) در عین تطابق با قواعد رایج جامعه که در قانون و عرف وجود دارد، نیز نگاهی دیگر به معنای این عبارت است. حاکمیت شرکتی از آن نظر حائز اهمیت است که باعث دسترسی بهتر به منابع مالی خارجی و نرخ سود کمتر وام هایشان می شود. بهبود عملکرد شرکت و دوام آن نیز از دیگر مزایای داشتن حاکمیت شرکتی و بکارگیری آن است. بالا رفتن ارزش و اعتبار شرکت، تقسیم کار و کاهش ریسک بحران شرکتی و شکست های سخت هم در گرو داشتن حاکمیت شرکتی و تقویت آن است (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۸).

چهار رکن اصلی حاکمیت شرکتی عبارتند از پاسخگویی، عدالت، شفافیت و استقلال. منظور از پاسخگویی، اطمینان حاصل کردن از این که بخش مدیریت در مقابل هیأت مدیره پاسخگوست و هیأت مدیره نیز در مقابل سهامداران پاسخگوست. عدالت در حاکمیت شرکتی از حقوق سهامداران حمایت می کند. با تمامی سهامداران حتی بخش اقلیت آن ها، به شکلی برابر برخورد می کند. شفافیت هم به معنای داشتن صداقت و بی پرده بودن در زمان مناسب آن و به شکلی دقیق در مورد موارد مهم از جمله وضعیت اقتصادی، عملکرد، مالکیت و حاکمیت شرکتی است. اما استقلال اشاره به فرآیندها و ساختارهایی دارد که با هم هماهنگ هستند تا موانع و اختلاف بر سر منافع را از بین برده یا به حداقل برسانند. استقلال باعث حضورمدیران و مشاورانی می شود که نفوذ و فشار دیگران را روی خود نمی بینند. حاکمیت شرکتی به دلایل زیر حائز اهمیت است (دیدار و همکاران، ۱۳۹۶):

- چارچوبی را برای ایجاد اعتماد بلندمدت میان شرکت ها و تهیه کنندگان خارجی سرمایه فراهم می کند.
- با منصوب کردن مدیرانی که بانی تجربیات و ایده های جدید هستند، تفاراستراتژیک را به صدر شرکت هدیه می کند.
- مدیریت و نظارت برریسک جهانی پیش روی شرکت را منطقی می سازد.
- با تقسیم فرایند تصمیم گیری، اتکای به مدیران ارشد و مسؤلیت آنان را محدود می سازد.

حاکمیت شرکتی به عنوان داشتن مشروعیت، مسؤلیت پذیری و شایستگی در حوزه سیاست و ارائه خدمات با احترام به قانون و حقوق بشر تعریف می شود. این مفهوم با گزارش کادبری که در آن ذکر شده است که چگونه حاکمیت شرکتی فعالیت های شرکت ها را کنترل و مدیریت می کنند، به راحتی قابل درک است. با این حال؛ گفته می شود که حاکمیت می تواند خوب یا بد، مؤثر یا ناکارآمد باشد، اما به آنچه در طول حاکمیت در نظر گرفته می شود و همچنین به ویژگی ها یا میزان کیفیت مرتبط با آن، بستگی دارد (الاهدل و همکاران، ۲۰۲۰).

کریسوستومو و همکاران^۱ (۲۰۲۰) دریافتند که حضور سهامداران بزرگ علاوه بر سهامدار کنترل کننده، با یک قدرت رای دهی قابل مقایسه است که هزینه حقوق صاحبان سهام را کاهش می دهد. کویرالا و همکاران^۲ (۲۰۲۰) دریافتند که در اسپانیا، ائتلاف تأثیر منفی بر سود سهام دارد و این نتیجه را به عنوان مکانیسمی برای سهامدار عمده برای تأمین منافع خصوصی در کنترل تفسیر می کنند. در عوض، گوئیروز و همکاران^۳ (۲۰۱۲) دریافتند که در اسپانیا، ائتلاف خارج از گروه کنترل، تأثیر مثبتی بر عملکرد دارد (شیوه و فارستر^۴، ۲۰۲۰).

بیشتر تحقیقات قبلی در مورد میزان ساختار مالکیت بر روی موضوعات شرکتی مثل ارزش شرکت، عملکرد شرکت، کیفیت بیانیه حسابداری و هزینه بدهی بوده است. با این حال، مطالعات قبلی اشاره کرده اند که ساختار مالکیت، مکانیسم های حاکمیت شرکتی را تعدیل می کند. در این راستا قدرت رقابت سهامداران عمده و کیفیت حاکمیت شرکتی کمتر مورد مطالعه قرار داده شده است. رویکرد اصلی نمایندگی به تعارض منافع بین سهامداران بزرگ و اقلیت تأکید می کند ادبیات موجود، شیوه های متفاوتی از سلب مالکیت توسط سهامداران را گزارش می کند. سهامداران عمده می توانند تصمیمات سرمایه گذاری بهینه را از طریق ادغام شرکت ها در راستای منافع خود یا شرکت و یا یک حزب، ایجاد کنند. سهامدار عمده، اگر یک موقعیت مدیریتی را در دست داشته باشد، می تواند از طریق اتخاذ قوانین تصاحبی، فشار وارد کنند و مسؤلیت خود را برای پاسخگویی کاهش دهند. این مشکل به ویژه در کشورهایی با حمایت قانونی ضعیف از سهامداران و تمرکز مالکیت بالای شرکت ها، بسیار زیاد است. سهامداران عمده، برای حفظ سیستم های کنترل داخلی ضعیف انگیزه دارند تا مزایای خصوصی کنترلی خود را افزایش دهند.

تمرکز مالکیت در قالب چگونگی توزیع سهام بین سهامداران یک شرکت مطرح می شود که هرچه تعداد سهام داران کمتر باشد مالکیت متمرکزتر است (باقرزادگان و خان محمدی، ۱۳۹۸).

1 Crisóstomo, et al
 2 Koirala, et al
 3 Gutiérrez
 4 Shive & Forster,

درباره مالکان عمده دو فرضیه ارائه شده است. طرفداران فرضیه نظارت فعال این گونه استدلال می کنند که مالکان عمده، سرمایه گذاران بلندمدتی هستند که انگیزه و توانایی زیادی برای نظارت فعالانه مدیران دارند. در حمایت از این فرضیه، طرفداران آن دو دلیل را ذکر می کنند: اول این که اگر چه مالکان عمده اختیار فروش سرمایه گذاری هایشان را دارند، ولی بزرگی اندازه سرمایه آن ها به حدی است که سهام در اختیارشان بدون تحت تأثیر قرار دادن قیمت های سهام و کاهش ارزش آن قابل فروش نیست و بنابراین، آن ها مجبورند که استراتژی بلندمدتی را بپذیرند و این باعث انگیزه بیشتر آن ها برای نظارت فعالانه مدیر می شود. دوم این که مالکان عمده نسبت به سهامداران کوچک توانایی بالاتری برای ارزیابی دقیق تر و کارا تر صورت های مالی دارند، چون اکثر آن ها از میان سرمایه گذاران نهادی و سازمان ها و شرکت های بزرگ هستند که امکانات بالاتری را در اختیار دارند (تقی نتاج و همکاران، ۱۳۹۷).

در برابر فرضیه نظارت فعال، فرضیه اتحاد استراتژیک وجود دارد. فرضیه اتحاد استراتژیک حاکی از آن است که مالکان عمده و مدیران با هم کار کرده و به طور متقابل از هم حمایت می کنند. این همکاری کاهش نظارتی را که احتمالاً منجر به افزایش ارزش شرکت می شود، در پی دارد و کیفیت سود از نظر سایر سهامداران تقلیل می یابد. در نتیجه ارتباط منفی بین محتوای اطلاعاتی سود و تمرکز مالکیت وجود دارد. به دیگر سخن، چنانچه سهام شرکت در اختیار مالکان محدودی متمرکز شده باشد، احتمال این که صورت های مالی جهت تحقق انتظارات و نیازهای این مالکان مدیریت شود، افزایش می یابد. این موضوع سبب کاهش محتوای اطلاعاتی سود از نظر سایر مالکان خواهد شد. برای مثال، مالکان عمده ممکن است دارایی های شرکت را به نفع خود مصادره کنند و جهت پنهان نمودن این موضوع صورت های مالی را گمراهانه ارائه کنند (جونگ و ون، ۲۰۰۲). در تایید این موضوع نتایج تحقیق فیرت و همکاران (۲۰۰۷)، نشان داد که هر چه تمرکز مالکیت بیشتر باشد محتوای اطلاعاتی سود پایین تر است (به نقل از یمک، ۲۰۱۷).

جنسن (۱۹۹۳) بیان می کند که هیئت مدیره در راس سیستم های کنترل داخلی قرار دارد، بنابراین توجه ویژه ای به اثر جایگزینی احتمالی بین ساختار مالکیت و کیفیت هیئت مدیره وجود دارد. یکی از وظایف اصلی هیئت مدیره نظارت مدیریتی است که این سوال را مطرح می کند که چگونه سهامداران با انگیزه بالا می توانند مدیران را جایگزین هیئت مدیره کنند و نظارت مدیریتی موثر را انجام دهند. سهام داران از سیستم حاکمیت شرکتی برای نظارت موثر بر مدیریت استفاده می کنند. از این نقطه نظر، توانمند شدن سهامداران بزرگ می تواند منجر به یک هیئت مدیره با کیفیت پایین تر می شود. سهامداران کنترل کننده قدرتمند به عنوان جایگزینی برای نظام رسمی حاکمیت شرکتی عمل می کنند، کنترل اعمال شده توسط هیئت مدیره را کاهش می دهند. بدین ترتیب، تمرکز بالای مالکیت به یک مکانیسم کنترل داخلی تبدیل می شود که جایگزین عملکرد هیئت مدیره می شود. هایگبرت و وانگ^۲ (۲۰۱۲) دریافتند که در یک محیط حقوقی و نهادی با حمایت ضعیف از سهامداران، معاملات مربوط به احزاب افزایش می یابد. این معاملات به ویژه برای سرمایه گذاران اقلیت مضر است (کریستمو و همکاران، ۲۰۲۰).

در راستای پژوهش حاضر، گودرزوند چگینی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر انواع تضاد نمایندگی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و نقدشوندگی سهام شرکت ها پرداختند و نشان دادند که معیارهای نسبت اعضای مستقل هیئت مدیره، جدایی وظیفه مدیر عامل از رییس هیئت مدیره، سهامداران نهادی و کیفیت حسابرسی دارای رابطه مثبتی با نقدشوندگی سهام میباشند. علاوه بر این براساس نتایج تحقیق نسبت اعضای مستقل هیئت مدیره و سرمایه گذاران نهادی سبب بیشتر شدن رابطه بین حاکمیت شرکتی و نقدشوندگی سهام در شرکتهای دولتی خواهند شد. نتایج تحقیق همچنین نشان دهنده این میباشند که جدایی وظیفه مدیرعامل از رییس هیئت مدیره و کیفیت حسابرسی در شرکتهای دولتی تأثیر معناداری بر ارتباط بین حاکمیت شرکتی و نقد شوندگی سهام ندارند.

از زمانی که صاحب کار، عاملی را از جانب خود منصوب نمود و اختیار تصمیم گیری را به او تفویض کرد، رابطه نمایندگی بوجود آمد. در رابطه نمایندگی، فرض می شود که هر یک از طرفین سعی دارند منافع خود را حداکثر نمایند. بنابراین بررسی قدرت سهامداران عمده بر کیفیت حاکمیت شرکتی، ضرورت دارد. بنابراین این پژوهش قصد دارد به این سوال اساسی پاسخ دهد که حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت رای دهی و کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد) چه تأثیری بر کیفیت سیستم مدیریت شرکت ها دارد؟

۲- روش شناسی پژوهش

این تحقیق از صورت های مالی به تحلیل و بررسی قدرت سهامداران عمده و کیفیت حاکمیت شرکتی و بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت رای دهی و کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد) بر کیفیت سیستم مدیریت شرکت ها، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می پردازد. در پژوهش حاضر ابتدا همبستگی بین متغیرهای پژوهش مورد آزمون قرار

1 Yemack
2 Huyghebaert and Wang

گرفته و در صورت وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش اقدام به برآورد مدل های رگرسیونی چندگانه خواهیم نمود، این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. همچنین پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی - علی است. جامعه آماری این تحقیق شرکتهای بورس اوراق بهادار تهران می باشد. دلیل انتخاب جامعه آماری مذکور این است که سازمان بورس و اوراق بهادار تهران اطلاعات نسبتاً جامعی درخصوص وضعیت شرکتهای و روند عملکردهای مالی و اقتصادی آنها دارد و میتوان گفت تنها منبع اطلاعاتی است که با استفاده از آن میتوان به منابع اطلاعاتی مالی شرکتهای دسترسی یافته و مدل تحقیق را مورد آزمون قرار داد.

به منظور انتخاب نمونه تحقیق از روش نمونه گیری حذفی سیستماتیک استفاده شد. در انتخاب نمونه آماری به دو موضوع توجه شده است. اول اینکه نماینده مطلوبی از جامعه آماری باشد و دوم این که با متغیرهای اساسی تحقیق تناسب داشته باشد. بر این اساس نمونه آماری تحقیق با توجه به ضوابط ذیل انتخاب شدند:

۱: اطلاعات در دسترس باشد.

۲: در دوره زمانی ۱۳۸۷ لغایت ۱۳۹۸ فعال باشد.

۳: شرکتهای مالی، واسطه گری مالی، بیمه، بانک، هلدینگ و سرمایه گذاری نباشد.

۴: دوره مالی آن منتهی به اسفند ماه باشد.

۵: فعال باشد و در حال انحلال نباشد.

بازه زمانی این تحقیق بین سال های ۱۳۸۷-۱۳۹۸ بوده است بر اساس شاخص های تعیین شده، ۱۵۳ شرکت به عنوان نمونه، در نظر گرفته شد.

در این پژوهش اطلاعات مورد نیاز به روش های زیر جمع آوری گردید:

۱. روش کتابخانه ای، روش اسنادکاو و همچنین برای آماده سازی متغیرهای لازم جهت استفاده در مدل های مربوط به آزمون فرضیه ها، از نرم افزار صفحه گسترده (اکسل) استفاده شده است. ابتدا اطلاعات گردآوری شده در صفحات کاری ایجاد شده در محیط این نرم افزار وارد گردید و سپس محاسبه های لازم برای دستیابی به متغیرهای این پژوهش انجام شد. بعد از محاسبه کلیه متغیرهای لازم جهت استفاده در مدل های این پژوهش، این متغیرها در صفحات کاری واحدی ترکیب شدند تا به طور الکترونیکی به نرم افزار مورد استفاده در تجزیه و تحلیل نهایی منتقل شوند. در این پژوهش جهت انجام تحلیل های نهایی، از نرم افزار Eviews ۱۰ استفاده شده است

۳- تجزیه و تحلیل داده ها

در این تحقیق با استفاده از داده های پنل دیتا و رگرسیون چندمتغیره و نرم افزار ایویوز، به آزمون فرضیه ها پرداخته شد.

۴- یافته های پژوهش

در این بخش به تحلیل کمی داده ها با استفاده از نرم افزار Eviews ۱۰ پرداخته می شود.

۴-۱- آمار توصیفی

اولین گام در تحلیل آماری تعیین مشخصات خلاصه شده داده ها و محاسبه شاخص های توصیفی می باشد. هدف از این تحلیل شناخت روابط درونی متغیرها و نشان دادن رفتار آزمودنی ها می باشد تا مقدمات تحلیل آماری فراهم شده و خصوصیات توصیفی برای تحلیل بیشتر آشکار گردد (هومن ۱۳۷۰). تحلیل داده ها در این بخش با محاسبه شاخص های مرکزی از جمله میانگین و میانه و شاخص های پراکندگی از قبیل انحراف معیار، حدکثر و حداقل مقدار متغیرها انجام شده است.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	تعداد مشاهده
BOARDC	۰,۲۷۵۵۳۹	۰,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۴۴۶۹۹۵	۱,۰۰۴۷۸۳	۲,۰۰۹۵۸۸	۱۸۳۶
CONTEST	۰,۱۳۹۱۹۹	۰,۱۱۱۵۷۲	۸,۷۶۴۸۱۲	۰,۰۰۰۰	۰,۳۸۸۳۲۷	۱۷,۳۵۴۵۰	۳۳۱,۵۴۵۳	۱۸۳۶
OWNSTR	۰,۲۴۳۳۱۷۵	۰,۳۶۳۲۶۲	۰,۸۲۱۲۲۷۰	۰,۰۸۵۱۲۳	۰,۶۲۵۱۵۴	۱۱,۵۲۴۵۱	۹,۶۲۳۵۸۱	۱۸۳۶
GOPP	۱,۶۳۶۶۸۷	۱,۶۲۵۷۶۲	۳,۳۸۳۶۸۱	۱,۰۸۹۱۱	۰,۲۵۹۴۵۵	۱,۵۹۸۹۴۱	۱۰,۰۸۲۲۸	۱۸۳۶
ICGQ	۰,۲۱۰۷۵۵	۰,۲۰۱۶۷۰	۰,۳۳۳۸۵۲	۰,۰۹۸۴۶۶	۰,۰۳۹۱۳۲	۲,۳۸۰۰۴۰	۸,۷۴۶۵۸۳	۱۸۳۶
ROA	۰,۱۲۹۲۳۲	۰,۱۰۸۴۵۱	۲,۷۶۹۱۰۰	-۰,۵۱۵۲	۰,۱۵۸۰۹۷	۴,۵۸۱۱۱۹	۷۵,۷۹۶۳۶	۱۸۳۶
SIZE	۵,۸۵۲۶۵۳	۵,۷۴۶۸۵۴	۸۰,۱۴۷۱۲	۴,۵۸۸۵۲۹	۰,۶۳۸۸۴۴	۰,۹۲۹۷۱۵	۳,۹۰۳۳۱۰	۱۸۳۶
VOC1	۰,۳۹۶۶۶۲	۰,۳۴۰۸۱۱	۰,۹۹۳۸۶۷	۰,۱۰۰۱۱۷	۰,۲۳۸۸۷۰	۰,۷۷۹۲۳۲	۲,۵۷۸۵۵۴	۱۸۳۶
VOC3	۰,۲۲۴۷۷۷	۰,۲۳۹۷۹۰	۰,۵۱۸۱۹۲	۰,۰۸۰۱۳۳	۰,۰۸۷۸۳۲	۰,۳۶۱۴۱۲	۲,۲۱۰۸۱۰	۱۸۳۶
VOC5	۰,۰۰۲۱۰۸	۰,۰۰۱۳۴۳	۰,۰۲۵۰۵۱	۰,۰۰۰۲۳۵۱	۰,۰۰۲۳۵۱	۵,۲۷۷۲۰۱	۴۰,۶۷۵۶۳	۱۸۳۶
WEDGE1	۰,۶۲۳۶۵۷	۰,۶۳۶۳۳۴	۳,۰۶۰۴۰۱	۰,۰۱۲۷۳۴	۰,۲۴۶۰۳۴	۲,۵۶۷۱۱۷	۲۴,۵۲۴۳۸	۱۸۳۶
WEDGE3	۰,۴۲۰۸۹۱	۰,۴۰۰۶۴۲	۲,۳۶۲۰۰۶	۰,۰۰۰۲۹۳	۰,۳۱۴۵۷۹	۰,۸۳۶۰۹۰	۵,۲۲۷۳۲۹	۱۸۳۶
WEDGE5	۰,۳۲۵۳۳۴	۰,۲۴۳۵۳۸	۸,۸۰۸۳۱۶	۰,۰۵۰۲۳۸	۰,۴۲۰۵۶۴	۱۰,۴۳۱۸۸	۱۷۴,۶۸۱۸	۱۸۳۶

۴-۲- آمار استنباطی

فرضیه a1. تمرکز مالکیت رای دهی بر کیفیت سیستم مدیریت شرکتها تأثیر منفی دارد.

جدول ۲- تخمین مدل های اول و دوم تحقیق

آزمون نرمالیته	BOARDC	ICGQ
چارک-برا	۱۸۷,۵۲۴۵	۳۵۲۵,۵۲۱
معنی داری	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰
تعداد مشاهده	۱۸۳۶	۱۸۳۶

طبق جدول ۲ مشاهده می گردد که در مدل اول مقدار ضریب تأثیر شاخص اول متغیر مستقل تمرکز مالکیت رای دهی (VOC1) بر متغیر وابسته کیفیت سیستم مدیریت (ICGQ) برابر $-۰,۰۵۲۴۱$ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز $۰,۹۸۵۲۵۴$ به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵% یعنی $۱/۹۶$ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست. مقدار معناداری نیز برابر $۰,۳۵۶۲۱$ محاسبه شده است که از سطح خطای $۰/۰۵$ بزرگتر بوده و عدم معناداری را نشان می دهد. همچنین در مدل اول مقدار ضریب تأثیر شاخص دوم متغیر مستقل تمرکز مالکیت رای دهی (VOC3) بر متغیر وابسته کیفیت سیستم مدیریت (ICGQ) برابر $۰,۰۴۵۱۲۲$ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز ۹۰۵۴۲۵ به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵% یعنی $۱/۹۶$ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست. مقدار معناداری نیز برابر $۰,۳۹۵۲۱$ محاسبه شده است که از سطح خطای $۰/۰۵$ بزرگتر بوده و عدم معناداری را نشان می دهد. علاوه بر این، در مدل اول مقدار ضریب تأثیر شاخص سوم متغیر مستقل تمرکز مالکیت رای دهی (VOC5) بر متغیر وابسته کیفیت سیستم مدیریت (ICGQ) برابر $۱,۴۹۸۵۲۶$ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز $۲,۳۶۵۲۵۴$ به دست آمده است که قدر مطلق آن بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵% یعنی $۱/۹۶$ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار است. مقدار معناداری نیز برابر $۰,۰۰۱۵۴$ محاسبه شده است که از سطح خطای $۰/۰۵$ کوچکتر بوده و معناداری را تایید می کند. با توجه به تایید تأثیر معنادار یکی از شاخص های تمرکز مالکیت رای دهی بر کیفیت سیستم مدیریت، در مجموع می توان نتیجه گرفت که تمرکز مالکیت رای دهی بر کیفیت سیستم مدیریت شرکتها تأثیر منفی دارد و فرضیه فرعی a1 تایید می گردد.

فرضیه b1. تمرکز مالکیت رای دهی بر کیفیت ترکیب هیئت مدیره شرکت تأثیر منفی دارد.

طبق جدول ۲ مشاهده می گردد که در مدل دوم مقدار ضریب تأثیر شاخص اول متغیر مستقل تمرکز مالکیت رای دهی (VOC1) بر متغیر وابسته کیفیت ترکیب هیئت مدیره (BOARDC) برابر $۰,۳۲۱۵۲۴$ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز $۵,۵۲۵۴$ به دست آمده است که قدر مطلق آن بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵% یعنی $۱/۹۶$ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار است. مقدار معناداری نیز برابر $۰,۰۰۰۰$ محاسبه شده است که از سطح خطای $۰/۰۵$ کوچکتر بوده و

معناداری را نشان می دهد. در مدل دوم مقدار ضریب تأثیر شاخص دوم متغیر مستقل تمرکز مالکیت رای دهی (VOC3) بر متغیر وابسته کیفیت ترکیب هیئت مدیره (BOARDC) برابر ۰,۰۹۵۲۴۴۲ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز ۰,۵۲۴۱۲ به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست. مقدار معناداری نیز برابر ۰,۵۲۵۷ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر بوده و عدم معناداری را نشان می دهد. در مدل دوم مقدار ضریب تأثیر شاخص سوم متغیر مستقل تمرکز مالکیت رای دهی (VOC5) بر متغیر وابسته کیفیت ترکیب هیئت مدیره (BOARDC) برابر ۰,۲۴۱۵۲۱ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز ۱,۵۲۳۲۶ به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست. مقدار معناداری نیز برابر ۰,۳۶۲۰ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر بوده و عدم معناداری را نشان می دهد.

با توجه به تایید تأثیر معنادار یکی از شاخص های تمرکز مالکیت رای دهی بر کیفیت ترکیب هیئت مدیره، در مجموع می توان نتیجه گرفت که تمرکز مالکیت رای دهی بر کیفیت ترکیب هیئت مدیره شرکتها تأثیر منفی دارد و فرضیه فرعی b1 تایید می گردد.

فرضیه a2. کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد بر کیفیت سیستم مدیریت شرکت تأثیر منفی دارد.

طبق جدول ۲ مشاهده می گردد که در مدل اول مقدار ضریب تأثیر شاخص اول متغیر مستقل کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد (WEDGE1) بر متغیر وابسته کیفیت سیستم مدیریت (ICGQ) برابر ۰,۰۰۲۰۳۵ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز ۰,۵۲۴۱۵۲۴ به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست. مقدار معناداری نیز برابر ۰,۹۵۲۴۱ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر بوده و عدم معناداری را نشان می دهد. همچنین، در مدل اول مقدار ضریب تأثیر شاخص دوم متغیر مستقل کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد (WEDGE3) بر متغیر وابسته کیفیت سیستم مدیریت (ICGQ) برابر ۰,۰۷۴۵۱۲ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز ۳,۵۷۵۴۲ به دست آمده است که قدر مطلق آن بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار است. مقدار معناداری نیز برابر ۰,۰۰۰۰ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر بوده و معناداری را نشان می دهد. همچنین، در مدل اول مقدار ضریب تأثیر شاخص سوم متغیر مستقل کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد (WEDGE5) بر متغیر وابسته کیفیت سیستم مدیریت (ICGQ) برابر ۰,۰۰۵۶۴۲ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز ۱,۱۸۶۱۲۳ به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست. مقدار معناداری نیز برابر ۱۵۲۴ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر بوده و عدم معناداری را نشان می دهد. با توجه به تایید تأثیر معنادار یکی از شاخص های کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد بر کیفیت سیستم مدیریت، در مجموع می توان نتیجه گرفت که کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد بر کیفیت سیستم مدیریت شرکت تأثیر منفی دارد و فرضیه فرعی a2 تایید می گردد.

فرضیه b2. کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد بر کیفیت هیئت مدیره شرکت تأثیر منفی دارد.

جدول ۳- تخمین مدل های سوم و چهارم تحقیق

نتیجه آزمون	آزمون فیلیپس پرون		متغیر
	معناداری	آماره	
مانا	۰,۰۰۰۰	۵۴۱,۶۲۵	BOARDC
مانا	۰,۰۰۰۰	۵۸۲,۵۸۷	CONTEST
مانا	۰,۰۰۰۰	۶۹۲,۵۲۵	GOPP
مانا	۰,۰۰۰۰	۷۴۵,۵۱۷	ICGQ
مانا	۰,۰۰۰۰	۳۲۸,۵۴۷	ROA
مانا	۰,۰۰۰۰	۵۰۴,۶۵۱	SIZE
مانا	۰,۰۰۰۰	۴۷۱,۵۸۲	VOC1
مانا	۰,۰۰۰۰	۳۳۲,۸۹۵	VOC3
مانا	۰,۰۰۰۰	۷۴۵,۸۵۸	VOC5
مانا	۰,۰۰۰۰	۵۴۵,۵۶۲	WEDGE1
مانا	۰,۰۰۰۰	۱۰۸,۶۵۲	WEDGE3
مانا	۰,۰۰۰۰	۸۸۴,۶۲۳	WEDGE5

طبق جدول ۳ مشاهده می‌گردد که در مدل دوم مقدار ضریب تأثیر شاخص اول متغیر مستقل کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد (WEDGE1) بر متغیر وابسته کیفیت ترکیب هیئت مدیره (BOARDC) برابر ۰,۰۲۰۵۲۵ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز ۵۴۱۲۷ به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست. مقدار معناداری نیز برابر ۰,۵۲۰۷ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر بوده و عدم معناداری را نشان می‌دهد. در مدل دوم مقدار ضریب تأثیر شاخص دوم متغیر مستقل کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد (WEDGE3) بر متغیر وابسته کیفیت ترکیب هیئت مدیره (BOARDC) برابر ۷۴۵۱۲ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز ۲,۵۴۵۱۲ به دست آمده است که قدر مطلق آن بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده شده معنی دار است. مقدار معناداری نیز برابر ۰,۰۱۰۲ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر بوده و معناداری را نشان می‌دهد. در مدل دوم مقدار ضریب تأثیر شاخص سوم متغیر مستقل کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد (WEDGE5) بر متغیر وابسته کیفیت ترکیب هیئت مدیره (BOARDC) برابر -۰,۰۵۲۳۲۶ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز -۱,۵۶۲۳۵ به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست. مقدار معناداری نیز برابر ۰,۵۴۲۵۸ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر بوده و عدم معناداری را نشان می‌دهد.

با توجه به تایید تأثیر معنادار یکی از شاخص‌های کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد بر کیفیت ترکیب هیئت مدیره، در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد بر کیفیت ترکیب هیئت مدیره شرکت‌ها تأثیر منفی دارد و فرضیه فرعی b۲ تایید می‌گردد.

فرضیه a۳. نسبت حق رأی دارندگان بلوک دوم و دیگر سهامداران بزرگ بر کیفیت سیستم مدیریت شرکت تأثیر مثبتی دارد.

طبق جدول ۳ مشاهده می‌گردد که در مدل سوم مقدار ضریب تأثیر نسبت حق رأی دارندگان بلوک دوم و دیگر سهامداران بزرگ (CONTEST) بر متغیر وابسته کیفیت سیستم مدیریت (ICGQ) برابر ۰,۰۰۷۴۲۵ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز ۴,۵۲۶ به دست آمده است که قدر مطلق آن بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده شده معنی دار است. مقدار معناداری نیز برابر ۰,۰۰۰ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر بوده و معناداری را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت نسبت حق رأی دارندگان بلوک دوم و دیگر سهامداران بزرگ بر کیفیت سیستم مدیریت شرکت تأثیر مثبتی دارد فرضیه a۳ تایید می‌گردد.

فرضیه b۳. نسبت حق رأی دارندگان بلوک دوم و دیگر سهامداران بزرگ بر کیفیت هیئت مدیره تأثیر مثبتی دارد.

طبق جدول ۳ مشاهده می‌گردد که در مدل سوم مقدار ضریب تأثیر نسبت حق رأی دارندگان بلوک دوم و دیگر سهامداران بزرگ (CONTEST) بر متغیر وابسته کیفیت هیئت مدیره (BOARDC) برابر ۰,۰۰۴۲۵ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز ۰,۰۷۸۴۵۲ به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای ۵٪ یعنی ۱/۹۶ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده شده معنی دار است. مقدار معناداری نیز برابر ۰,۹۵۶۲ محاسبه شده است که از سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر بوده و عدم معناداری را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت نسبت حق رأی دارندگان بلوک دوم و دیگر سهامداران بزرگ بر کیفیت هیئت مدیره تأثیر معناداری ندارد فرضیه b۳ رد می‌گردد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

قدرت سهامداران به عنوان مکانیسم حاکمیت خارجی و مهم برای همسوسازی اقدامهای مدیران با منافع مالکان در نظر گرفته شده است. اگر مدیران در جهت منابع سهامداران عمل نکنند، سهامداران باید حق برکناری مدیران را داشته باشند. با این وجود، توانایی سهامداران برای حاکمیت بر مدیران اغلب محدود شده و در سالهای اخیر ماهیت این محدودیت‌های به زیر سوال رفته است. این پژوهش به آنالیز انگیزه سهامداران عمده برای پیاده سازی سیستم حاکمیت شرکتی می‌پردازد که در چارچوب مالکیت متمرکز و حمایت ضعیف قانونی از سرمایه گذاران، از منافع آنها حمایت می‌کند. از یک معیار استاندارد برای حاکمیت شرکتی مبتنی بر اجرای قوانین غیر اجباری حاکمیت شرکتی خوب، استفاده شده است. برآوردهای سیستم) GMM روش گشتاورهای تعمیم یافته) برای داده‌های پانل متوازن شرکت‌های برزیلی نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت برای کیفیت مدیریت شرکت و کیفیت ترکیب هیئت مدیره مضر است. بر اساس تأثیر سلب مالکیت بر تعارض‌های مالک-مالک (تعارض بین سهامداران عمده و اقلیت)، با تضعیف سیستم حاکمیت شرکتی و ترکیب هیئت مدیره، سهامداران عمده (کنترل کننده) ممکن است از مزایای شخصی کنترل استفاده کنند. بر اساس پیشنهاد اثر جانشینی، به روش متمم، سهامداران کنترل کننده ممکن است از استخدام هیئت مدیره

قوی خودداری کنند و مستقیماً نظارت بر مدیریت را انجام دهند که تعارض نمایندگی با مدیران را کاهش دهد. در نهایت، توانایی سهامداران بزرگ بدون سهامداران اصلی، برای به چالش کشیدن قدرت آن‌ها برای شکل دادن سیستم حاکمیت شرکتی، کافی نیست. این مطالعه شواهدی از اهمیت تعارض مالک-مالک در یک بازار نوظهور را با تجزیه و تحلیل تأثیر تمرکز مالکیت بر کیفیت سیستم حاکمیت شرکتی و همچنین اینکه سایر سهامداران بزرگ غیره کنترل کننده قادر به رقابت با قدرت سهامداران اصلی نیستند، ارائه می‌دهد. این توزیع مالکیت یک تعارض مالک-مالک را در بین سهامداران ایجاد می‌کند، به طوری که احتمالاً بین بزرگترین سهام دار کنترل کننده و سایر سهام داران عمده تعارض منافع ایجاد می‌شود. اگرچه تأثیر چنین تعارضاتی بر ارزش شرکت‌ها بطور گسترده‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است، اما هنوز هم در مورد تأثیر این تعارضات بر طراحی سازوکارهای کنترل شرکت‌ها و کیفیت حاکمیت شرکت‌ها نیاز به تحقیقات جدید وجود دارد.

یکی از محدودیت‌های این تحقیق، عدم امکان دسترسی به اطلاعات دقیق در مورد ترکیب مالکیت شرکت‌هاست. یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی دربرگیرنده ترکیب سهامداران شرکت‌هاست که این اطلاعات معمولاً به شکل سلیقه‌ای و به شکلی ناهماهنگ ارائه می‌شود. سایر سهامداران، یک گروه و عنوان کلی است که اشخاص حقوقی و حقیقی نامتجانس در آن جای گرفته‌اند. همچنین تعداد اندک شرکت‌های نمونه می‌تواند تعمیم نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد.

ضریب تأثیر شاخص اول متغیر مستقل تمرکز مالکیت رای دهی (VOC1) بر متغیر وابسته کیفیت سیستم مدیریت (ICGQ) برابر 0.05241 محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز 0.985254 به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست. مقدار معناداری نیز برابر 0.35621 محاسبه شده است که از سطح خطای 0.05 بزرگتر بوده و عدم معناداری را نشان می‌دهد. در مدل اول مقدار ضریب تأثیر شاخص دوم متغیر مستقل تمرکز مالکیت رای دهی (VOC3) بر متغیر وابسته کیفیت سیستم مدیریت (ICGQ) برابر 0.45122 محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز 9.05425 به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست. مقدار معناداری نیز برابر 0.39521 محاسبه شده است که از سطح خطای 0.05 بزرگتر بوده و عدم معناداری را نشان می‌دهد. در مدل اول مقدار ضریب تأثیر شاخص سوم متغیر مستقل تمرکز مالکیت رای دهی (VOC5) بر متغیر وابسته کیفیت سیستم مدیریت (ICGQ) برابر 1.498826 محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز 2.365254 به دست آمده است که قدر مطلق آن بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده شده معنی دار است. مقدار معناداری نیز برابر 0.0154 محاسبه شده است که از سطح خطای 0.05 کوچکتر بوده و معناداری را تایید می‌کند.

با توجه به فرض دوم و تایید تأثیر معنادار یکی از شاخص‌های تمرکز مالکیت رای دهی بر کیفیت سیستم مدیریت، در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که تمرکز مالکیت رای دهی بر کیفیت سیستم مدیریت شرکت‌ها تأثیر منفی دارد و فرضیه فرعی a1 تایید می‌گردد. همچنین یافته‌ها نشان داد که ضریب تأثیر شاخص اول متغیر مستقل کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد (WEDGE1) بر متغیر وابسته کیفیت سیستم مدیریت (ICGQ) برابر 0.02035 محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز 0.5241524 به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست. مقدار معناداری نیز برابر 0.95241 محاسبه شده است که از سطح خطای 0.05 بزرگتر بوده و عدم معناداری را نشان می‌دهد.

در مدل اول مقدار ضریب تأثیر شاخص دوم متغیر مستقل کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد (WEDGE3) بر متغیر وابسته کیفیت سیستم مدیریت (ICGQ) برابر 0.074512 محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز 3.57542 به دست آمده است که قدر مطلق آن بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده شده معنی دار است. مقدار معناداری نیز برابر 0.0000 محاسبه شده است که از سطح خطای 0.05 کوچکتر بوده و معناداری را نشان می‌دهد.

در مدل اول مقدار ضریب تأثیر شاخص سوم متغیر مستقل کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد (WEDGE5) بر متغیر وابسته کیفیت سیستم مدیریت (ICGQ) برابر 0.05642 محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز 1.186123 به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده که نشان می‌دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست. مقدار معناداری نیز برابر 1524 محاسبه شده است که از سطح خطای 0.05 بزرگتر بوده و عدم معناداری را نشان می‌دهد.

با توجه به تایید تأثیر معنادار یکی از شاخص‌های کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد بر کیفیت سیستم مدیریت، در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که کنترل بیش از بر جریان وجوه نقد بر کیفیت سیستم مدیریت شرکت تأثیر منفی دارد و فرضیه فرعی a2 تایید می‌گردد.

باید ذکر شود که قدرت سهامداران به عنوان مکانیسم حاکمیت خارجی و مهم برای همسوسازی اقدامهای مدیران با منافع مالکان در نظر گرفته شده است. اگر مدیران در جهت منابع سهامداران عمل نکنند، سهامداران باید حق برکناری مدیران را داشته باشند. با این وجود، توانایی سهامداران برای حاکمیت بر مدیران اغلب محدود شده و در سالهای اخیر ماهیت این محدودیت‌های به

زیر سوال رفته است. این پژوهش به آنالیز انگیزه سهامداران عمده برای پیاده سازی سیستم حاکمیت شرکتی می پردازد که در چارچوب مالکیت متمرکز و حمایت ضعیف قانونی از سرمایه گذاران، از منافع آن‌ها حمایت می‌کند. از یک معیار استاندارد برای حاکمیت شرکتی مبتنی بر اجرای قوانین غیر اجباری حاکمیت شرکتی خوب، استفاده شده است. برآوردهای سیستم (GMM) روش گشتاورهای تعمیم یافته) برای داده‌های پانل متوازن شرکت‌های برزیلی نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت برای کیفیت مدیریت شرکت و کیفیت ترکیب هیئت مدیره مضر است. بر اساس تأثیر سلب مالکیت بر تعارض های مالک-مالک (تعارض بین سهامداران عمده و اقلیت)، با تضعیف سیستم حاکمیت شرکتی و ترکیب هیئت مدیره، سهامداران عمده (کنترل کننده) ممکن است از مزایای شخصی کنترل استفاده کنند. بر اساس پیشنهاد اثر جانشینی، به روش متمرکز، سهامداران کنترل کننده ممکن است از استخدام هیئت مدیره قوی خودداری کنند و مستقیماً نظارت بر مدیریت را انجام دهند که تعارض نمایندگی با مدیران را کاهش دهد. یکی از محدودیت‌های این تحقیق، عدم امکان دسترسی به اطلاعات دقیق در مورد ترکیب مالکیت شرکت هاست. یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی دربرگیرنده ترکیب سهامداران شرکت هاست که این اطلاعات معمولاً به شکل سلیقه‌ای و به شکلی ناهماهنگ ارائه می‌شود. سایر سهامداران، یک گروه و عنوان کلی است که اشخاص حقوقی و حقیقی نامتجانس در آن جای گرفته‌اند. همچنین تعداد اندک شرکت‌های نمونه می‌تواند تعمیم نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد.

پیشنهاد‌های کاربردی (پیشنهاد‌های مبتنی بر یافته های پژوهش)

- بر اساس یافته های حاصل از پژوهش حاضر می توان چندین پیشنهاد ارائه داد :
- پیشنهاد می شود شرکت ها بر مبنای گردش موجودی سهامداران برای آنان حق رای تعریف نمایند، این روش باعث می شود که سهامداران فعال تر حق رای بیشتری داشته باشند چراکه این دسته از سهامداران از ویژگی ها و پتانسیل های شرکت بیشتر مطلع می باشند.
 - پیشنهاد می شود شرکت ها برای انتخاب هیات مدیره و اعضاء کنترل داخلی شرکت از آراء سهامداران به صورت غیر مستقیم استفاده نمایند (استفاده از نمایندگان).
 - پیشنهاد می شود شرکت ها جهت افزایش شفافیت اطلاعاتی اختیارات حسابرسان داخلی برای دسترسی به اطلاعات جریان وجوه نقد شرکت را افزایش دهند.
 - پیشنهاد می شود اختیارات هیات مدیره در کنترل جریان وجوه نقد محدود شود با تایید بازرسان و سیستم کنترل داخلی انجام شود.
 - پیشنهاد می شود شرکت ها از سیستم رای دهی وزن دار استفاده نمایند به صورتی که رای هر سهامدار با تعداد سهام وی وزن دار شود.

منابع

- ۱- بت شکن، محمد هاشم؛ رهبری خرازی، مهسا. (۱۳۸۷). حاکمیت شرکتی : میزان رعایت حقوق سهامداران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بصیرت، شماره ۴۲، صفحه ۱۳۳ تا ۱۵۳.
- ۲- جونز، چارلی. (۱۳۹۳). مدیریت سرمایه گذاری. (رضا تهرانی و عسگر نوربخش). تهران، نشر نگاه دانش. چاپ دوازدهم
- ۳- ستایش، محمدحسین؛ منصوری، شعله (۱۳۹۳). بررسی مقایسه ای سازوکارهای حاکمیت شرکتی در شرکت های درمانده و غیردرمانده مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشات مالی، دوره ۱۶، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحه ۹۹-۱۱۲
- ۴- غفاری، عباس. (۱۳۹۴). بازیگران اصلی حاکمیت شرکتی، ماهنامه تدبیر، جلد ۲۶ شماره ۲۷۵ صفحات ۱۹-۲۲
- ۵- مرادی زاده فرد مهدی، ناظمی اردکانی مهدی، غلامی رضا، فرزانی حجت اله. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی؛ ۹۸-۸۵: ۵۵۱۶
- ۶- ناصری ملکی، سمیه و عسگر پاک مرام، (۱۳۹۵)، تأثیر کفایت حاکمیت شرکتی بر ریسک ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پنجمین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری های باز، تهران، همایشگران مهر اشراق،
- ۷- باقرزادگان، رضا و خان محمدی، محمدحامد. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و حاکمیت شرکتی با سرمایه گذاری در عملیات اصلی شرکت. مدیریت حسابداری، ۱۲(۴۰)، ۱-۱۴

- ۸- تقی نتاج، غلامحسین، بحری، جمال و قادری، قدرت. (۱۳۹۷). تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌ها با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت افشاء. مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، ۴، ۱۵۱-۱۲۷
- ۹- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۹۵). تأثیر سازو کارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی. (۲۰)۵، ۸۱-۹۵
- ۱۰- حساس یگانه، یحیی؛ ربیسی، زهره و حسینی، سید مجتبی. (۱۳۸۸). رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. علوم مدیریت ایران، ۴(۱۳)، ۷۵-۱۰۰
- ۱۱- دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا و زارع، الهام. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر کیفیت افشاء با آکید بر نقش تعدیل‌کننده رقابت بازار محصول در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مالی، ۹(۱)، ۹۷-۱۱۸
- ۱۲- شورورزی، محمدرضا؛ آزادوار، ایمان. (۱۳۸۹). تجزیه و تحلیل ارتباط میان فرصت‌های سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت‌ها، مجله حسابداری مدیریت، سال سوم / شماره ششم / پائیز ۱۳۸۹
- ۱۳- گودرزوندچگینی، معصومه و رضازاده، جواد. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر انواع تضاد نمایندگی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و نقدشوندگی سهام شرکت‌ها، فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری.
- ۱۴- آذر عادل، مؤمنی منصور، (۱۳۸۰)، «آمار و کاربرد آن در مدیریت»، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت
- ۱۵- حیدری تفرشی، غلامحسین (۱۳۸۶)، «مبانی سازمان و مدیریت»، چاپ اول، تهران، انتشارات نویسنده
- ۱۶- جلیلی آرزو و مشیری اسمعیل (۱۳۹۲)، «ابتکارات ذهنی در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری مدیریت»، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۲، شماره ۶، صص ۴۱-۵۰
- 17- Al-ahdal, W. M., Alsamhi, M. H., Tabash, M. I., & Farhan, N. H. (2020). The impact of corporate governance on financial performance of Indian and GCC listed firms: An empirical investigation. *Research in International Business and Finance*, 51, 101083.
- 18- Bhagat, S., & Bolton, B. (2019). Corporate governance and firm performance: The sequel. *Journal of Corporate Finance*, 58, 142-168.
- 19- Buertey, S., Sun, E. J., Lee, J. S., & Hwang, J. (2020). Corporate social responsibility and earnings management: The moderating effect of corporate governance mechanisms. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 27(1), 256-271.
- 20- Schiehl, E., Ahmadjian, C., & Filatotchev, I. (2014). National governance bundles perspective: Understanding the diversity of corporate governance practices at the firm and country levels. *Corporate Governance: An International Review*, 22(3), 179-184.
- 21- Scherer, A. G., & Voegtlin, C. (2020). Corporate governance for responsible innovation: Approaches to corporate governance and their implications for sustainable development. *Academy of Management Perspectives*, 34(2), 182-208
- 22- Yermack, D. (2017). Corporate governance and blockchains. *Review of Finance*, 21(1), 7-31..
- 23- Al-Gamrh, B., Ismail, K. N. I. K., Ahsan, T., & Alquhaif, A. (2020). Investment opportunities, corporate governance quality, and firm performance in the UAE. *Journal of Accounting in Emerging Economies*.
- 24- Crisóstomo, V. L., de Freitas Brandão, I., & López-Iturriaga, F. J. (2020). Large shareholders' power and the quality of corporate governance: An analysis of Brazilian firms. *Research in International Business and Finance*, 51, 101076.
- 25- Koirala, S., Marshall, A., Neupane, S., & Thapa, C. (2020). Corporate governance reform and risk-taking: Evidence from a quasi-natural experiment in an emerging market. *Journal of Corporate Finance*, 61, 101396.
- 26- Shive, S. A., & Forster, M. M. (2020). Corporate governance and pollution externalities of public and private firms. *The Review of Financial Studies*, 33(3), 1296-1330.
- 27- Yermack, D. (2017). Corporate governance and blockchains. *Review of Finance*, 21(1), 7-31